

مقاله پژوهشی

بازخوانی وقفنامه حاجی رجبعلی بر مسجد جامع میبد، از دریچه تاریخ معماری

ذات الله نیک‌زاد^{*۱}

۱- عضو هیأت علمی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری

(دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۲۹، پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۲۱)

چکیده

وقفنامه حاجی رجبعلی به تاریخ ۱۲۴۷ق بر شبستان زمستانی مسجد جامع میبد و دیگر آثار مورد حمایت و ساخته شده واقف تنظیم شده است. این وقفنامه، سندی تاریخی است که حاوی اطلاعاتی از میانه سده سیزدهم هجری درباره شهر میبد، اماکن و آثار معماری آن است. تاریخ وقفنامه هم‌زمان با دهه آخر حکومت فتحعلی شاه قاجار است و روشن کردن سیمای کهن شهر میبد در این دوره تاریخی پراهمیت است. مسجد جامع شواهدی از این دوره دارد. وقفنامه، سندی حقوقی به‌شمار می‌رود و واقف به قصد تضمین حیات شبستان و بناهای دیگری، که خود ساخته، دست به تنظیم آن زده؛ اما در این تحقیق در مقام یک سند تاریخ معماری بررسی و نمایانده شده است. در واقع استعداد یک متن حقوقی تاریخی برای بهره بردن در راه مطالعه تاریخ معماری بررسی شده و ویژگی‌های آن معلوم می‌شود. با طرح این پرسش که، اماکن و شواهد معماری مذکور در وقفنامه چیست و چه آگاهی‌های تازه‌ای در حوزه تاریخ معماری شهر میبد به‌دست می‌دهد؟ این تحقیق که به‌روش توصیفی - تاریخی به انجام رسیده، با بازخوانی متن وقفنامه و بررسی و تحلیل آن، مشاهدات میدانی و ذکر شواهدی در کتب تاریخی همراه شده است. این تحقیق به‌نوعی سندپژوهی محسوب می‌شود، زیرا تمرکز بر یک سند تاریخی دست اول دارد. هدف از تحقیق، بازخوانی نکات روشن و تاریک مربوط به اماکن و تاریخ معماری مذکور در وقفنامه است. نتیجه تحقیق نشان داده، این وقف نامه کوتاه، اما حاوی مطالب با اهمیتی از حیث ثبت نام و تواریخ اماکن است. یک یک اعلام جغرافی که در وقفنامه از آن‌ها نام برده شده همه مربوط به میبد است، بنابراین در روند تحقیق، با مراجعه به محل مربوط، اصل اثر یا بقایای برج مانده شناسایی و مشاهده شد. مجموع آثار قابل بررسی به ۲۲ اثر می‌رسد که مشتمل بر محله‌ها، قنوات، دکان‌ها، مزار (گورستان)، آسیاب، باغات و خانه‌ها و موارد دیگر است. تاریخ ساخت شبستان زمستانی مسجد جامع، حدود تاریخ و بانی ساخت مسجد و آب انباری در میدان کرّم واقع در داخل شارستان میبد که از بناهای واقف است، از این وقفنامه به‌دست می‌آید که مربوط به دهه ۱۲۴۰ق است.

کلید واژه‌ها: وقفنامه، مسجد جامع میبد، اماکن تاریخی میبد، حاجی رجبعلی، تاریخ معماری

پرسش پژوهش

پرسش‌هایی که در این تحقیق طرح شده در حدود داده‌هایی است که از متن وقف‌نامه مورد نظر استنباط و استخراج شود.

- به استناد وقف‌نامه حاجی رجبعلی، چه اماکن و شواهد معماری قابل شناسایی است؟

- وقف‌نامه چه آگاهی‌های تازه‌ای در حوزه تاریخ معماری شهر میبد به دست می‌دهد؟

۱- مقدمه

وقف‌نامه‌ها جزء اسناد مطالعه تاریخ معماری به شمار می‌روند. وقف‌نامه حاجی رجبعلی که برای محافظت و نگهداری مسجد جامع میبد و برخی آثار دیگر تنظیم شده، می‌تواند حاوی آگاهی‌هایی درباره بناها باشد. مسجد جامع میبد در زمره معدود بناهای برجای مانده از سده‌های نخستین هجری به شمار می‌رود. با این پیش‌زمینه که منابع مکتوب چه درباره این بنا و چه درباره شهر و دیگر آثار میبد چندان پربار نیست، بنابراین اسناد مکتوب منتشر نشده می‌تواند بخشی از این خلاء را پر کند. از این رو که موضوع اصلی پژوهش (سند وقف) مربوط به رویدادی در گذشته است و با بازخوانی و تحلیل محتوای این سند از یک سو و هم‌چنین در سوی دیگر ردیابی آثار و بقایای ذکر شده در وضع امروز شهر میبد، انتظار می‌رود نتایجی برای شناخت بیشتر این آثار استخراج شود، پژوهش با روش «تاریخی - توصیفی» به انجام می‌رسد و به نوعی سند پژوهی است. داده‌های پژوهش از دو راه کتابخانه-ای و میدانی حاصل آمده است. برای پاسخ به پرسش‌ها و هدف پیش‌رو، علاوه بر محتوای سند، پرداختن به مفاهیم و واژگان، مشاهده و تحقیق درباره آثار و اماکن نیز مورد نظر است. هدف از تحقیق پیش‌رو، شناسایی

آثار و روشن ساختن تاریخ معماری بناها و اماکن مذکور در وقف‌نامه است.

۲- مبانی نظری تحقیق: وقف‌نامه در

جایگاه اسناد تاریخ معماری ایران

مطابق ماده ۵۵ قانون مدنی، «وقف عبارت است از این - که عین مال حبس و منافع آن تسبیل شود». مطابق ماده ۵۸، فقط وقف مالی جایز دانسته شده که به ابقاء عین بتوان از آن منتفع شد (مرکز پژوهش‌های مجلس). از دو قسم وقف عام و خاص، اسناد وقف عام به این تحقیق مربوط می‌شود و غرض از بنیان آن متنوع است، از مخارج نگهداری و تعمیر اعتبار مقدسه و مدارس علمی و دینی گرفته تا کمک به معیشت علما، سادات، طبقات مذهبی و به‌جا آوردن آیین‌ها و مناسک دینی (لمبتون، ۱۳۷۷: ۴۱۸-۴۱۷). وقف بر افراد و اشخاص، امور یا اماکن واقع می‌شود که به آن موقوفه‌علیه گفته می‌شود. چه موقوفه و چه موقوفه‌علیه، هر دو شامل اماکن و بناهایی است که از آن‌ها در وقف‌نامه نام برده می‌شود؛ از این حیث اسناد وقفی در مطالعه تاریخ معماری موضوعیت می‌یابد. عمارت و آبادانی ولایات به‌دست پادشاهان، امرا و بزرگان متمول و به‌ویژه آنان که دستی در کار خیر داشتند، اغلب اوقات همراه با پیش‌بینی‌هایی برای حیات آینده تأسیسات بنیان نهاده بوده است. سرمایه‌های دارای انتفاع و آینده‌دار مانند زمین‌های زراعی و آب در وقف اهمیت می‌یافت. در مناطق مربوط به تمدن‌کاریزی علاوه بر زمین، آب قنات ارزش سرمایه‌ای داشت. مزرعه، باغ، خانه‌باغ، خانه، قنات، یا سهمی از قنات به‌عنوان رقبات موقوفه درآمد و درآمد آن‌ها برای اقسام امور خیر در نظر گرفته می‌شد.

چون وقف در برآوردن هزینه‌های ساخت و تعمیر بناهای عمومی، سامان دادن به املاک و رقبات،

معماران، پیشه‌وران و عاملان معماری، مقیمان هر بنا و دیگر موارد (شیخ‌الحکمایی، ۱۳۸۷: ۱۱۰ و ۱۱۱). میراث وقف نسبت به سایر آثار غیروقفی کم‌تر دچار تحریف و تصرف شده‌اند، زیرا سازوکاری برای حفظ موقوفات در نظر گرفته می‌شد (نظری و صالحی کاخکی، زمستان ۱۳۹۶: ۲۴۰).

۳- پیشینه پژوهش

درباب پیشینه تحقیق پیرامون اسناد وقفی در یزد و میبد، باید به دو سرفصل اشاره کرد؛ نخست، تصحیح و چاپ پاره‌ای از وقف‌نامه‌های دربردارنده مطالبی در باب شهر، اماکن و آثار؛ دوم، تحقیقات صورت گرفته درباره چنین وقف‌نامه‌هایی. بسیاری از وقفیات و رقبات موجود در میبد، در وقف‌نامه‌هایی که در طول تاریخ در یزد تنظیم شده ذکر شده‌اند. در ادامه به نمونه‌هایی چند اشاره می‌شود. دانش‌پژوه و افشار، وقف‌نامه جامع‌الخیرات، مربوط به سیدرکن‌الدین و فرزندش سیدشمس‌الدین، که در ۷۳۲ و ۷۳۳ق تألیف شده و به زبان عربی است را در مجله فرهنگ ایران زمین به چاپ رساندند (دانش‌پژوه و افشار، ۱۳۴۰) که علاوه بر اماکن و بناها و قنواتی که از یزد نام برده شده، حاوی اطلاعات بسیار مفیدی درباره میبد و حدود و اماکن و آبادی‌های آن در سده هشتم هجری است. افشار و مجتبی مینوی نسخه عکسی و سپس حروف‌چینی شده وقف‌نامه ربع رشیدی، تألیف ۷۰۹ق را چاپ کردند (همدانی، ۱۳۵۲) و چون قسمت عمده رقبات و املاک مذکور در وقف‌نامه به یزد تعلق داشت، سپس افشار بخش مربوط به یزد را به‌طور جداگانه، با عنوان «اوقاف رشیدی» چاپ کرد (افشار، ۱۳۴۹). نام و نشانی قنات‌ها و

برپایی آیین‌ها و کارآفرینی و کمک به نیازمندان کارکرد خود را حفظ می‌کرده، این نهاد خصلت شهرآفرینی داشته و در حیات اجتماعی شهرهای ایران نقش مؤثری ایفا می‌کرد (اهلرز، ۱۳۷۴: ۵۱-۵۳)، بنابراین تاریخ شهرها جدای از وقف و اسناد وقفی نیست. وقف‌نامه‌ها ارزش اسنادی دارند و بدون آن‌ها آگاهی از تاریخ معماری ایران ناقص خواهد ماند. به نظر افشار، مطالعه دقیق در احوال مساجد و بقاع و مزارات کامل نیست، مگر آنکه متون وقف‌نامه‌ها در اختیار مردم گذاشته شود (افشار، ۱۳۷۱: ۳۳). برای مطالعه تاریخ معماری ایران، وقف‌نامه‌ها در یک نگاه در شمار اسناد مردمی محسوب شده و در ذیل منابع مکتوب درجه اول^۱ قرار می‌گیرند (قیومی بیدندی، بهار ۱۳۸۸: ۸-۹). می‌توان وقف‌نامه‌ها را جزء اسناد قضایی به‌شمار آورد. بیشتر بناهای مهم و عام‌المنفعه در نظام وقف شکل گرفته و موقوفه‌اند؛ بنابراین در میان انواع اسناد تاریخی، وقف‌نامه جایگاهی ویژه دارد و ارتباط این نوع سند با معماری و فرهنگ آن می‌تواند بسیار گسترده‌تر از دیگر انواع اسناد باشد (شیخ‌الحکمایی، ۱۳۸۷: ۹). برخی اطلاعات حاصل از وقف‌نامه در حوزه مطالعات تاریخ معماری شامل موضوعات متنوعی است، از جمله: شناخت انواع بناها و اجزای معماری، اجزای شهر، تاریخ دقیق ساخت و پیشینه بنا، مسایل اقتصادی معماری، الگوهای ساخت، مشاغل مرتبط با بنا، فرهنگ و آداب ساخت، نگهداری بنا و مرمت، کارکردهای خاص و تغییر کاربری، حرمت بنا و اعمال مجاز و ممنوع در آنها، تأسیسات، اصطلاحات معماری، اهداف بانی، عوامل دخیل در ساخت بنا مانند: حامی و بانی،

وی معتقد است، در نزد ایرانیان، عامل تعیین کننده در توجه به معماری، کارکرد بوده است، نه صورت (بلر، پاییز ۱۳۸۷: ۴۸-۴۹). در تحقیق دیگری، وقفنامه امیرچقماق و همسرش بررسی شده است. نویسنده به شرح یک یک موقوفات و اماکن مذکور در این سند پرداخت. علاوه بر یزد، برخی موقوفات مربوط به میبد است (ایواتاکه، بهار ۱۳۸۴). بررسی قنوت وقفنامه جامع الخیرات، مربوط به سده هفتم هجری، موضوع مقاله ای است. در این تحقیق ۸۹ رشته قنات مربوط به یزد، مناطق یزد و خارج از منطقه شناسایی و مشخصات و محل مصرف آنها، از جمله تنقیح ممر و کوره قنات و تعمیر و نگهداری بناها را نشان دادند (نیکزاد و دانش یزدی، تابستان ۱۳۹۰).

۴- اهمیت سند

علی‌رغم پیشینه کهن شهر میبد و وجود آثار تاریخی فراوان و مهم در آن، منابع مکتوب کمی از این شهر برجای مانده. درباره میبد، مختصری در کتاب‌های جغرافیای تاریخی و با تفصیل کمی در تواریخ محلی یزد نوشته شده است. اسناد محلی که بسیاری از آنها پوشیده مانده و انتشار نیافته‌اند، در روشنایی بخشیدن به سرگذشت و تاریخ گوشه و کنار این شهر قدیمی اهمیت دارند. با این نگاه وقفنامه مذکور یک سند تاریخی مکتوب برای میبد محسوب می‌شود و در بررسی مسجد جامع میبد یا برخی آثار دیگر، جزء منابع مکتوب درجه اول به‌شمار می‌رود. مقصود از پیش کشیدن این وقفنامه پی بردن به نام بناها، اماکن و داده‌هایی از قبیل تاریخ ساخت و نحوه اداره امور آنها است

اماکن بسیاری از میبد در این سند آمده است. «وقفنامه امیرچقماق و سستی فاطمه» که یک‌بار در ۱۳۲۷ چاپ و نایاب شده بود، افشار در چاپ جلد سوم جامع مفیدی، با تصحیح تازه‌ای در انتها، به عنوان ضمیمه چاپ کرد (افشار، ۱۳۸۵). افشار کتابچه موقوفات یزد، تألیف عبدالوهاب طراز را در جلد دوم یزدنامه چاپ کرد (افشار، ۱۳۷۷: ۱۱۶-۱۲۹). این سند مفصل حاوی اطلاعات تاریخی بسیاری در خصوص قنوت و بناهای مهم یزد است. «وقفنامه باغ دولت‌آباد یزد» مورد توجه محققان قرار گرفته است. متن این وقفنامه در جامع جعفری آمده بود (نائینی، ۱۳۵۳: ۳۶۲-۳۴۵) و از این نظر که حاوی داده‌های فراوانی درباره قنات و ملحقات آن، فضا و معماری این باغ و دیگر عناصر مربوط به پیرامون باغ بود، شیخ‌الحکمایی، در ذیل اسناد معماری ایران به‌شمار آورد و آن را منتشر کرد (شیخ‌الحکمایی، ۱۳۸۷: ۷۵-۹۲). مسرت وقفنامه آب‌انبار شش بادگیری یزد، که نخستین سواد آن در ۱۲۷۹ق نوشته شده را با تصحیح و توضیحاتی به‌چاپ رساند (مسرت، پاییز ۱۳۸۸: ۸۴). افخمی و مسرت وقفنامه نسبتاً طولانی مسجد چهارمنار (خضرشاه) یزد، مربوط به سده نهم هجری را منتشر ساختند. که حاوی نام اماکن و بناهای بسیاری در یزد، تفت و اردکان است (افخمی و مسرت، بهار ۱۳۹۳).

شیلا بلر در تحلیل وقفنامه ربع رشیدی برای راه یافتن به جامعه دوره ایلخانیان، اشاره دارد که این سند ما را قادر می‌سازد بناهای این مجموعه را در تصور خود بازسازی کنیم. از این وقفنامه می‌توان در فهم طرز استفاده از این بناها نیز کمک گرفت.

که یا امروزه شناخته می‌شوند یا از یاد رفته‌اند. در جریان تغییر و تحولات تاریخی مسجد جامع میبد، در دوره قاجاریه فضاهایی افزوده شد و تغییراتی چند پدید آمد. از جمله: ساخت گرمخانه حاجی رجبعلی که مورد نظر وقفنامه این تحقیق است، ساخت گرمخانه شمالی که تاریخ دقیق و بانی ساخت آن پیدا نیست، ساخت مسجد حاجی حسنعلی که در گوشه شمال شرقی قرار دارد و به نام بانی شناخته می‌شود و تعمیراتی که در بسیاری از مواضع و زوایای مسجد دیده می‌شود (نیک‌زاد، ۱۳۹۵). وقفنامه مذکور در شناخت تحولات روزگار قاجاری این بنا می‌تواند دارای اهمیت باشد.

۵- بازنویسی متن وقفنامه^۲

۵-۱- متن اصلی

«وقف مؤبد و حبس مخلص نمود، جناب خیرالحاج و کهن‌العمار حاجی رجبعلی ابن مرحمت‌شأن حاجی حیدرعلی میبدی، نصف طسوج از مزرعه شمس‌آباد مع اراضی تابعه آن و تسع، یعنی نه یک، / از طاحونه واقعه در محله بشنیغان میبد، مشهور به طاحونه آخوند، غنی از توصیف و تحدید، بر امام مسجد جامع قصبه مرقومه. توضیحاً بر امام مسجدی که خود واقف در مسجد میبد ساخته‌اند؛ و آن مسجد، شبستانی^۳ / در سمت شمالی مسجد مرقوم است، که از بناهای خیر خود واقف است، که امام موقوف‌علیه در زمستان‌ها در همان شبستان نماز کند و در تابستان در مقصوره و پیشگاه^۴، و هرگاه بر بام نماز کند، بر بام / همان شبستان نماز کند. و وقف نمود منابع و مجاری پنج جرّه میاه کسنویه، ممزوج به فراه‌آباد و یک‌درب باغ مشهور به باغ رضای رحیمی، محدود به باغ میررضای شهری و حدی به باغ /

میرزا معصوم و حدی به باغ ورثه [...] و حدی [...] محدود به زمین حاجی میرعبدالغفور و زمین واقف مزبور و حدی / به قنات مهریجرده و حدی به زمین قجورستانی‌ها و یک‌قطعه دیگر، به مقام ایضاً، به بسط هفت دست تخمیناً محدود به زمین واقف و حدی به زمین لالائی حاجی میرغنی و حدی به قنوه [کذا] مهرجرده و حدی دیگر / بار به قنات واقف و قطعه دیگر به بسط دو قفیز واقعه در آن طرف پل، محدود به زمین محمد بن سمیع و حدی به زمین محمدآبادی‌ها و حدی به زمین اردکانی‌ها بر شبستان مرقومه، که هر وقت / خرابی حادث شود منافع آن را خرج تعمیر آن کنند و با عدم خرابی، منافع آن‌ها را به خادم و مؤذن مسجد مرقوم دهند. و وقف نمود ایضاً یک‌درب باغ خندق واقعه در جنب رباط / میبد، محدود به حصار و حدی به خندق قاسم ابولی. تمامی یک‌قطعه زمین به بسط پنج دست در محله حیدرآباد محدود به زمین ورثه حاجی محمدبن علی و به شارع و دو طرف به تل، بر قاری / که هر شب جمعه بر مزار قُرب رباط قرائت قرآن نمایند. توضیحاً آنکه هرگاه خرابی در دو قطعه زمین و باغ اتفاق افتد منافع آن‌ها را اولاً صرف تعمیر نمایند و بعد آنچه زائد / آید و با فرض عدم خرابی [...] را به قاری دهند. و وقف نمود ایضاً یک‌درب حانوت روغن‌گری واقعه در میدان کرم، محدود به خانه ابول یادگار و شارع، بر مسجد کوچک جنب میدان / کرم که از بناهای خیر واقف مزبور است که منافع آن را صرف روغن چراغ و تعمیر مسجد مزبور نمایند. و وقف نمود چهار جرّه منابع [قنات] شمس‌آباد بر آب‌انبار واقعه در میدان کرم، / که از بناهای خیر واقف مزبور است؛ که منافع آن را صرف تعمیر [...] و قیمت آب آن و اصلاح شیر و روغن چراغ آن کنند. و وقف نمود اراضی حوالی آب‌انبار مزبور را / بر آب‌انبار مزبور که منافع آن‌ها را اولاً صرف تعمیر آنها نمایند و با عدم

شأن آقا سیدمحمد نعمتی^{۱۱} / محل خاتم مرحمت شأن
 آخوند ملا لطفعلی / ذا و اصله سیان [نقش مهر] / ذا و
 اصله سیان [نقش مهر] / هو، ذا و اصله المختوم العشره
 بخواتیم [کذا] سیان فی شهر شوال المکرم سنه ۱۲۹۲
 [نقش دو مهر] / ذا و اصله سیان [نقش مهر] / ذا و اصله
 سیان [نقش مهر]

۶- یافته‌های تحقیق

۶-۱- مشخصات وقف‌نامه و اشخاص

مذکور

۶-۱-۱- **مشخصات:** تصویر وقف‌نامه در اداره
 اوقاف شهرستان میبد به کلاسه پرونده: «ر/۶
 شهرستان میبد» نگهداری می‌شود. از اصل سند
 آگاهی کسب نشد و احتمالاً در دست متولی فعلی
 است. حدود دو سطر آخر در تصویر سند پاک
 شده است. این سطر باید در اصل وقف‌نامه موجود
 باشد. وقف‌نامه به زبان فارسی روان، بدون استفاده
 از کلمات و اصطلاحات معلق و اضافی، با خط
 تحریری شکسته نستعلیق نوشته شده و حاوی مهرها
 و سجلات و تأییدات چند تن در حاشیه چپ و
 بالای نوشته اصلی است (تصویر ۱۵).

۶-۱-۲- **تاریخ‌ها:** در انتهای وقف‌نامه تاریخ
 تحریر ۱۲۴۷ق نوشته شده، که برابر با سلطنت
 فتحعلی شاه قاجار در ایران و حکومت سیف‌الدوله
 در یزد (قلمسیاه، ۱۳۷۰) است. اما تاریخ‌های
 دیگری نیز در محل تأییدات و شاهدان دیده می
 شود. از جمله تاریخ ۱۲۴۷، ۱۲۷۰ و ۱۲۷۶، ۱۲۹۲.
 تاریخ‌های چند دهه دورتر از زمان تنظیم سند به
 تعیین تولیت و نظارت موقوفات مربوط می‌شود که

احتیاج، صرف اصلاح و خرج آب انبار مرقوم. و وقف
 نمود سدس^۹ بازارچه میبد را، که در جنب / مسجد
 جامع است، بر مسجد مزبور که منافع آن را صرف
 اصلاح مسجد مزبور نمایند، از کاغذ شبستان و بام‌اندود
 و غیره. و وقف نمود یک باب حانوت نجاری واقعه در
 جنب / بازارچه مزبوره بر روغن چراغ صبح مسجد
 مزبور از شبستان و مقصوره و بام هر جا که احتیاج
 باشد. و بقیه بازارچه هم وقف است بر مسجد مزبور و
 تولیت / جمیع آنها را مفوض نمود به جناب سیادت
 مآب میر سیدعلی اکبر ابن مرحوم میرزا ابراهیم؛ و عشر
 منافع آنها را حق التولیه قرار داد و تتمه را به مصرف
 آنچه مقرر شد برساند. / و اعتراف نمود که شش جرّه
 میاه شمس آباد در شبانه‌روز دوازدهم وقف است بر
 آب‌انبار گُلار. و تولیت آن را هم به میر علی‌اکبر
 واگذاشت، یعنی او را وکیل خود / [۱۰...] آقا میرعلی
 اکبر / با قابلیت، و بر فرض عدم قابلیت، مفوض به
 حاکم شرع است / تحریراً فی ذیقعه سنه ۱۲۴۷.

۲-۵- سجل‌ها

«محل مهر واقف حاجی رجبعلی / محل خاتم شریف
 مرحمت شأن آقا سیدمحمد نعمتی / هو، آقا سید
 محمدعلی ولد مرحوم آقا سیدعلی اکبر متولی باشد به
 نظارت جناب آقا سیدنعمتی سلمه‌الله فی بیست و ششم
 شهر رمضان سنه ۱۲۷۰ / محل خاتم شریف مرحمت-
 شأن آقا میرزا علی / محل مهر مرحوم آقا میر جعفر /
 محل خاتم شریف میر سیدحیدر / بسم‌الله تعالی، امر
 تولیت به نهجی است که جنت مکان آقا میرزا علی
 مرقوم داشته اند؛ بنظارت علم فہام جناب ملاحسین و
 اطلاع جناب والدشأن به مصارف مصروف نمایند. حرر
 فی بیست و هشتم شعبان سنه ۱۲۷۶. محل خاتم شریف
 شریعتمدار آقا شیخ محمدحسن / محل خاتم مرحمت-
 شأن آقا سیدابوالحسن حیدری / محل خاتم مرحمت-

ترین آبادی جنوبی به داخل حصار میبد است و با حصار شهر و نارین قلعه حدود ۱۵۰۰ متر فاصله دارد. از بناهای این آبادی چیز چندانی نمانده، اما اکنون مشهور است و مزارع و باغات مرغوب میبد را شامل می‌شود. توصیف این محله در کتب تاریخی، از جمله جامع مفیدی در سده یازدهم هجری، با داشتن آب و هوای خوش، خیابان و نهر میان آن و در اطراف خیابان باغ‌های دلگشا، ذکر شده است (مستوفی بافقی، ۱۳۴۰: ۹۵).

۲-۲-۶- محله بشنیغان: این محله که اکنون به همین نام شهرت دارد، جزء محله‌های قدیم شهر میبد است. چسبیده به دروازه شمالی و حصار شهر و خود مشتمل بر چند محله کوچک است. آبادانی این بیرونه وابسته به دو رشته قنات خارجار و کتواس و در جریان آرام گسترش شهری به سوی شمال پدید آمده است (پویا، ۱۳۹۵: ۱۳۳ و ۱۷۴). باغات و کشتخوان‌ها در اطراف و داخل آن گسترده شده و مساجد، میدان‌ها، آب انبار و بازارچه و محله‌های کنزی‌ها، شیخی‌ها، حبیبیان و زراسب در آن جای دارد.

۳-۲-۶- طاحونه آخوند: آسیاب مذکور بنا به اشاره وقف‌نامه در محله بشنیغان واقع بوده، اما اکنون بنایی با چنین نام شناخته نشد، محتمل است یکی از سه آسیابی که در محدوده محله بشنیغان قرار دارند، در ایام قدیم به «طاحونه آخوند» شهرت داشت. «آسیاب سید قنبر» یا باغشاهی که با آب خارجار می‌چرخید بر حد حصار شمالی میبد و محله بشنیغان واقع شده و مرمت شده است. «آسیاب لگک» واقع در منتهی‌الیه شمال غربی بشنیغان نزدیک محله مهرجرد که آثار خرابه آن

پس از فوت اشخاص اولیه اتفاق افتاده و در حاشیه اصل وقف‌نامه ثبت شده است.

۳-۱-۶- واقف (بانی): نام واقف در وقف‌نامه حاجی رجبعلی فرزند حاجی حیدرعلی ذکر شده است. به استناد همین وقف‌نامه او کسی است که شبستان مسجد جامع میبد، و چند بنای دیگر را ساخت. اکنون گرمخانه مسجد جامع به نام حاجی رجبعلی شناخته می‌شود. حاجی رجبعلی از خاندان سادات میبد بوده است. این خاندان از گذشته‌های دور در میبد ساکن بوده اند. پدر واقف، حاجی حیدرعلی، خود امام مسجد جامع بود. او نیز وقف نامه مفصلی بر مسجد جامع دارد^{۱۲}. احفاد و اعقاب این خانواده سادات اکنون در همین حدود میبد زندگی می‌کنند. درباره بانی و خانواده او مطلبی دیگری در کتب و اسناد یافت نشد.

۲-۶- بازشناسی اماکن مذکور در وقف‌نامه

در متن وقف‌نامه، از اماکنی نام برده شده که دانستن آن‌ها از نظر شناخت تاریخی شهر و بناهای میبد اهمیت دارد. تعیین موضع اغلب آن‌ها با توجه به تحقیقات میدانی در حین این پژوهش میسر شد. اماکن مذکور یا موقوفه‌اند یا موقوف‌علیه. در ذیل فهرستی از اماکن و شرح چکیده آن‌ها، به ترتیب ذکر در وقف‌نامه، می‌آید:

۱-۲-۶- مزرعه شمس آباد و قنات آن:

شمس‌آباد، که مادرچاه آن در رستاق واقع در جنوب میبد است، زمین‌های شمس‌آباد را سیراب می‌کند. از این قنات چند مرتبه در وقف‌نامه ربع رشیدی در اواخر سده هفتم هجری نام برده شده است (همدانی، ۱۳۵۲: ۷۵). شمس‌آباد نزدیک-

پیداست و «آسیاب سرگشون» واقع در شرق محله که از بنیان ویرانش کردند. نام «آخوند» امروز بر یکی از مساجد محله فیروزآباد نهاده شده است.

۴-۲-۶- مسجد جامع قصبه میبد: مسجدی وسیع و کهن از سده‌های اولیه هجری در داخل حصار و باروی شهر که اکنون موجود و مورد استفاده است و آن مشتمل است بر صحن، ایوان و گنبد و شبستان‌های تابستانی متصل بدان، شبستان-

های زمستانی در شرق و غرب و شمال صحن، گنبدخانه حسنی (امام حسن) و فضاهای پیرامون آن و مسجد حاجی رجبعلی و حاجی حسنعلی (نیک‌زاد، ۱۳۸۵: ۹۶ و ۱۱۷) (تصویر ۱ و ۲). نام منبر و مسجد میبد در متون جغرافیای تاریخی قرن چهارم هجری به بعد، همراه با کته، فهرج و نایین، جزء ولایت یزد و کوره اصطخر ثبت شده است (اصطخری، ۱۳۴۰: ۹۷؛ ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۳۶).



تصویر ۱- چشم انداز مسجد جامع میبد. بیرون شبستان حاجی رجبعلی که مابین ایوان و گنبد خشتی است در تصویر دیده می‌شود (مأخذ: نگارنده).



تصویر ۲- پلان مسجد جامع میبد با جانمایی فضاهای گوناگون (مأخذ: نگارنده).

۵-۲-۶- شبستان ساخته واقف: مطابق سطر دوم و سوم وقف نامه، «آن مسجد شبستانی ست در سمت شمالی مسجد مرقوم که از بناهای خیر خود واقف است». در ادامه چنین ذکر شده: «که امام موقوف علیه در زمستانها در همان شبستان نماز کند و در تابستان در مقصوره و پیشگاه و هرگاه بر بام نماز کند، بر بام همان شبستان نماز کند». اگر واقعاً مقصود همان شبستان شمالی (درواقع شمال شرقی) باشد، به سبب برآمدگی پوشش بام این شبستان عملاً خواندن نماز در پشت بام به راحتی

ممکن نمی شود. به نظر می رسد نویسنده متن وقف نامه در نوشتن جهت اشتباه کرده و جهت درست باید غرب باشد. در غرب صحن مسجد (درواقع شمال غرب) شبستانی است که آن را گرمخانه می نامند و نام حاجی رجبعلی به عنوان بانی و واقف بر کتیبه زیلو به تاریخ ۱۲۴۰ ق درج شده است (نیک زاد، ۱۳۸۵: ۱۰۴). شبستان مذکور با پنج دهانه، در دو اشکوب بنا شده و در سرتاسر ضلع غربی صحن واقع شده و ورود بدان از صحن مسجد است (تصویر ۲ و ۳).



تصویر ۳: داخل شبستان حاجی رجبعلی (مأخذ: نگارنده).

۶-۲-۶- میاه کسنویه: از قنوات مهم و پرآب میید به شمار می رود که از جنوب شهر سرچشمه گرفته، جوار رباط شاه عباسی آفتابی می شود و با عبور از داخل کاروانسرا و ظاهر شدن در حوض داخل چهارطاقی واقع در میان حیاط این بنا، وارد کشتخوان و باغات کسنوا واقع در پشت رباط و غرب حصار میید می شود و این اراضی را سیراب می کند. نام این قنات به صورت نوشتاری «کثنویه»، لابلای وقفیات ربع رشیدی، جزء بلده میید آمده (همدانی، ۱۳۵۲: ۸۹) و در وقف نامه جامع الخیرات،

مربوط به سده هشتم هجری نیز چند مرتبه سهم آب وقفی آن ذکر شده است (سیدرکن الدین، ۱۳۶۵: ۱۱۵، ۱۱۶ و ۱۴۶).
 ۷-۲-۶- قنات فرهاباد: بنا به متن وقف نامه، «میاه کسنویه ممزوج با فرهاباد» بود. قنات یا جویی به این نام در تحقیقات میدانی شناخته نشد. علاوه بر این شاید نام کشتخوان یا اراضی هم بوده باشد که از این آب مشروب می شد.
 ۸-۲-۶- قنات مهرجرد (مهرجرد): مهرجرد از جمله آبادی های شمال میید و جزء پهنه شهر

امروز است و بنا به استناد کتب تاریخی در زمان ساسانیان و به دست مهنرنگار دختر انوشیروان ساخته شد. یک مهرجرد که همان مهریز امروزی است و دیگری مهرجرد میبد (جعفری، ۱۳۴۳: ۳۰ و ۳۱). هر دو آبادی به نام مهریجرد هم نامیده می شدند. قنات آن به همین نام شناخته می شود. این قنات از جنوب میبد سرچشمه می گیرد و آبادی و کشتخوانهای مهرجرد را مشروب می سازد.

۹-۲-۶- پُل: هرچند موضع پل مورد اشاره در وقف نامه با اشاره به زمین های متعلق به اشخاص و

مجاورت با قنات مهرجرد مشخص شده، اما چون نام آن ذکر نشده و موضع آن با مکان شناخته شده ای معلوم نمی شود، یافتن آن به طور دقیق ممکن نشد. بر اساس شواهد میدانی این تحقیق، این پل ها که همه آجری اند، در حدود مسیل و کشتخوان های بارجین، بیده، خانقاه، مهرجرد، ده آباد و برخی اراضی دیگر وجود دارند. یکی از پل هایی که معماری شاخصی دارد و آب بر است، بر روی رودخانه خشک حیدرآباد بسته شده است (تصویر ۴).



تصویر ۴: یکی از پل های آجری روی رودخانه حیدرآباد. این پل آب بر است (مأخذ: نگارنده).

ساختند (تصویر ۵). هرچند قطعاتی از خندق را در حین خیابان کشی پر کردند، لیکن اکنون این باغات در نقاط گوناگون شهر وجود دارند که وضع خندق را معلوم می دارند.

۱۰-۲-۶- باغ خندق: این باغ که حد شرقی آن حصار شهر و حد غربی آن گذر مجاور رباط است، جزء باغاتی است که در داخل خندق دور حصار شهر ساخته شده و حدود آن اکنون معلوم است و در عرصه این بخش از خندق خانه هایی هم



تصویر ۵: بقایای باغ خندق واقع در جوار حصار و باروی شهر (مأخذ: نگارنده).

تیرکش و آرایه‌های فخر و مدین خشتی کامل کردند. حصاربست میبد را امیرمبارزالدین محمد، بنیان‌گذار حکومت مظفریان، در سده هفتم هجری و در آغاز حاکمیتش ساخته و مستحکم کرد (جعفری، ۱۳۸۹: ۱۳۶؛ کاتب، ۲۵۳۷: ۱۶۴).

۱۳-۲-۶- محله حیدرآباد: قطعه زمینی در این محله وقف بر مسجد شده است. اکنون محله یا زیرمحله‌ای به نام حیدرآباد در میبد شناخته شده نیست. یکی، رودخانه‌ای فصلی به نام حیدرآباد بر جای مانده که از شرق روستای بیده عبور می‌کند و ضمن گذشتن از کنار محله خانقاه، تا حدود ده آباد ادامه می‌یابد. دیگری، میدانی به نام حیدرعلی در حدود محله بالای میبد وجود دارد که قرابت اسمی با حیدرآباد دارد. بر این اساس که اماکنی از قبیل باغ خندق، مزار قرب رباط و زمین واقع در حیدرآباد همگی به دنبال هم در وقفنامه ذکر شده، محتمل است موضع این محله در همان حدود باشد.

۱۴-۲-۶- قل: به بستر رُسی زمین تل گفته می‌شود و در نزد معماران و بناهای سنتی میبد شهرت

۱۱-۲-۶- رباط میبد: همان کاروانسرای شاه عباسی است که به همراه ساباط، آب‌انبار، یخچال، چاپارخانه و راه قدیم و دیگر عناصر، جزئی از منزلگاه کاروانی میبد محسوب می‌شود. این ارسن در بیرون از حصار غربی شهر قرار دارد و قدمت آن دست کم به روزگار صفویه باز می‌گردد (افشار، ۱۳۴۹). پس از مرمت‌هایی که صورت گرفته، به عنوان مکان فرهنگی و خدمات گردشگری بهره‌برداری می‌شود. از فرط شهرت نیاز به توضیح بیشتر درباره این اثر نیست.

۱۲-۲-۶- حصار: دور تا دور میبد را با حصاربست و خندق محصور و مستحکم کردند. هرچند در اثر خیابان‌کشی قطعاتی از حصار ویران شده، اما بخش عمده‌ای از آن به جا مانده است. حصار مذکور در وقفنامه همانا حصار غربی است که جنب رباط میبد واقع شده و با برج و خندق همراه است و در امتدادش به سوی شمال، به دروازه کتنوا (دروازه غربی) و انتهای اراضی محله باغشاهی می‌رسد (پویا، ۱۳۹۵: ۶۴). حصار را به صورت چینه‌ای و خشتی ساخته و با کنگره،

خود از سادات میبد بوده، باغ خندق و زمین حیدرآباد را بر این مزار وقف کرد. بر اساس شواهد به جا مانده، گورها را به صورت صندوقه‌ای و با طاق خرپشته‌ای می‌ساختند و قبور قرار گرفته روی همدیگر نشان می‌دهد که در طول چند سده تدفین در آن صورت می‌گرفت. یک نمونه چهارطاقی کوچک خشتی بر سطح برآمده مزار به جا مانده است. مزار مذکور با احداث خیابان قاضی میرحسین به دو نیم شمالی و جنوبی در آمد (تصویر ۶).

دارد، از این نظر که در ساخت بناها عامل تعیین کننده بوده و در بسیاری از موارد با بریدن تل فضاهای بوکنی را بوجود می‌آوردند. بر روی تل‌ها کشت و کار صورت نمی‌گرفت. محله تل در شهر یزد در محل اختلاف سطح زمین و نسبت به محله - های پیرامون، بر پشته (بلندای) گلی استقرار یافته است. شهرت و نام آن نیز بر همین اساس است.

۱۵-۲-۶- مزار قُرب رباط: این مزار یکی از گورستان‌های خارج حصار میبد است و مدفن سادات بوده و قبور و آرامگاه‌هایی چند که با خشت و گل بنا شده در آن باقی است. واقف که



تصویر ۶: بقایای مزار قُرب رباط میبد و آب انبار گُلاز (مأخذ: نگارنده).

می‌رسد. طی چند دهه اخیر تغییراتی در سیمای بیرونی میدان بوجود آمده و از صورت یک فضای شهری و محله‌ای، به یک بنای منفرد بدل شده است. بر روی آن سقف خرپای فلزی نهاده و در داخل پوش خیمه‌ای برپا داشته اند. آیین‌های مذهبی در این میدان به جا آورده می‌شود و محل وعظ و خطابه حاج سید محمد حیدری است.

۱۷-۲-۶- حانوت روغن‌گری واقع در میدان کرم: اکنون شواهد یا اطلاعاتی از این

۱۶-۲-۶- میدان کرم: این میدان در حدود ۵۰۰ متری شرق مسجد جامع، در محله میبد پایین قرار دارد و آن محوطه باز چهارضلعی با غرفه‌هایی در پیرامون است. ضلع جنوبی تکیه، میدان و در دو اشکوب بنا شده است. غرفه‌های طبقه بالا با مدخل‌های کوتاهی به یکدیگر ارتباط دارند (شیبانی و کشاورز: ۱۳۸۰) (تصویر ۷ و ۸). میدان کرم مسجدی کوچک و آب‌انباری دارد. میدان در جایی ساخته شده که کوچه‌های پیرامون به آن

شده در وقفنامه، این مسجد کوچک ساخته واقف (حاجی رجبعلی) در حوالی دهه ۱۲۴۰ق است. این مسجد در جایی معرفی نشده است.

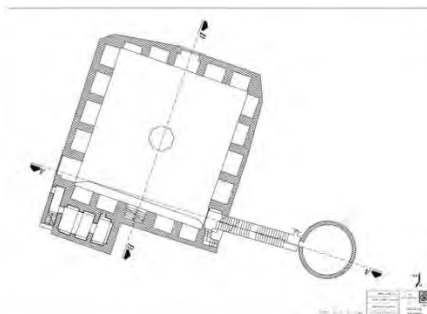
۱۹-۲-۶- آب انبار میدان کرم: این آب انبار جزء میدان است و پله پاشیر آن با حدود ۳۰ پله در کنج جنوب شرقی داخل میدان واقع شده و سردر پاشیر یکی از غرفه‌های میدان محسوب می‌شود (تصویر ۱۰). مخزن و گنبد روی آن با سه بادگیر یک طرفه در پشت میدان واقع شده است. روی گنبد را آجر فرش کرده و باقی سطوح اندود کاهگل دارد (شیبانی و کشاورز، ۱۳۸۰: ۵) آب انبار با شاخه انتهایی قنات قطب آباد پر می‌شد با وجود جریان داشتن آب، به سبب ترک حادث شده در مخزن، آب گیری نمی‌شود. با توجه به متن این وقفنامه، منابعی برای صرف تعمیرات ساختمان و روغن چراغ پاشیر این بنا برقرار شده بود.

دکان روغن‌گری در دست نیست. در پیرامون میدان تغییراتی پدید آمده و بسیاری از عناصر از جمله دکان‌های چسبیده به جداره معابر ویران شده‌اند، این دکان متصل به خانه ابول یادگار بوده است؛ خانه‌ای با این نام هم اکنون شناخته شده نیست. به هر روی، امروزه بر جداره گذرهای جنب میدان نشانه‌ای از دکان دیده نمی‌شود.

۱۸-۲-۶- مسجد کوچک میدان کرم: این مسجد در گوشه جنوب غربی پشت میدان با ورودی مجزایی واقع است و اکنون نام امام محمد باقر دارد. مسجد یک راهرو در ابتدا، بلافاصله پس از ورودی با سقف ضربی دارد و شبستانی کوچک با سه دهانه واقع در پشت غرفه‌های جنوب غربی میدان است. فضاهای نمازخانه را پوشش کجاوه‌ای بر روی تویزه‌هایی استوار نموده و با گچ اندود کرده‌اند. علامت مشخصی به عنوان محراب به چشم نمی‌خورد (تصویر ۸ و ۹). بنا به اشاره صریح قید



تصویر ۷- داخل میدان کرم، رو به جنوب (مأخذ: شیبانی و کشاورز، ۱۳۸۰: ۲۰).



تصویر ۸- نقشه میدان کرم، شامل: میدان، آب‌انبار و مسجد کوچک (مأخذ: پرونده ثبت آثار ملی به شماره ۳۶۹۴، برگ ۱۳).



تصویر ۱۰- ورودی پاشیر آب‌انبار میدان کرم واقع در داخل میدان (مأخذ: نگارنده).



تصویر ۹- داخل مسجد کوچک میدان کرم (مأخذ: نگارنده).

همجوار مسجد جامع تا دهه ۱۳۶۰ش برپا بود (تصویر ۱۱)، اما برای تعریض کوچه‌های پیرامون مسجد، پوشش میانی و دکان‌های جداره شرقی، به کل تخریب شد؛ با این حال دکان‌های چسبیده به مسجد هم‌چنان وجود دارد. این بازارچه علاوه بر دکان‌ها، شامل آب‌انبار و کاروانسرای کوچک

۲۰-۲-۶- بازارچه جنب مسجد جامع: بازار قدیم میبد از دروازه جنوبی آغاز و به مسجد جامع منتهی می‌شود. هر بخش بازار نامی داشته و سالم‌ترین قسمت آن، بازارچه میری در محدوده محله بالاست. شواهد بخش عمده بازار، با وجود خرابی و متروک ماندن پابرجا مانده است. بازارچه

بازارچه و یک باب حانوت (دکان) نجاری را وقف مسجد کرده بود و اظهار شده که تمام بازارچه نیز وقف بر مسجد است.

بود (نیک‌زاد، ۱۳۸۵: ۹۴). ادامه جداره شرقی بازارچه، خانه‌هایی بود که همه آنها برجیده شده و بر جای آن امروز فضای سبز و میدانه متصل به خیابان مسجد جامع قرار دارد. واقف یک نهم از



تصویر ۱۱- تصویر قدیمی بازارچه متصل به مسجد جامع که در دهه ۱۳۶۰ ویران شد (مأخذ: پرونده ثبت آثار ملی مسجد جامع میبد به شماره ۱۳۴۷).

۳-۶- تضمین حیات آثار معماری

واقف از محل اموال خویش ممر درآمدی برای بقای آثاری که خود بنا کرده یا دیگران پیش از او ساخته بودند، تعیین و تثبیت کرد تا هم ضمانتی برای حفظ کالبد بناها باشد و هم حیات و فعالیت‌شان جاری گردد. در این وقف‌نامه، محل مصرف موقوفات بر دو قسم است. واقف قسمی را بر ساختمان مسجد و دیگر بناهایی که خود ساخته یا پیش از او بوده‌اند و قسمی دیگر را بر فعالیت‌ها و اشخاص مرتبط با مسجد یا مزار معین کرده است. نخست بر امام مسجد جامع که زمستان‌ها در داخل همین شبستان و تابستان‌ها در مقصوره و پیشگاه (ایوان) و پشت بام نماز کند. مزد موذن، قاری قرآن، خادم مسجد و تولیت نیز از همین موقوفات به‌دست می‌آید. واقف بخشی از وقفیات را برای تعمیرات خرابی‌های شبستان مسجد جامع و بام

۲۱-۲-۶- آب انبار گلزار: این آب انبار روبروی در ورودی رباط شاه عباسی و در زیر ساباط قرار دارد به سبب بهره‌برداری از اختلاف سطح زمین و قرار گرفتن پاشیر در پائین دست و مخزن در بالادست، تعداد پله‌های آن بسیار کم‌تر از حد معمول آب انبارهای دیگر است. چهار بادگیر کار خنک کردن آب مخزن را بر عهده دارند. مطابق کتیبه منصوب بر سردر آب انبار، در زمان صفویه به سال ۱۰۷۰ ق ساخته شده و حیات‌بخش مترددین گردید (افشار، ۱۳۴۸: ۸۶-۸۷).

۲۲-۲-۶- اماکن خصوصی ناشناخته: نام

اماکن دیگری هم در وقف‌نامه درج شده که شناسایی آن‌ها فعلاً ممکن نشده است، به این دلیل که املاک خصوصی‌اند و بسیاری از آن‌ها تغییر نام یا تغییر کاربری داده‌اند.

اندود، تعمیرات مسجد کوچک جنب میدان کرم، اموری همچون قرائت قرآن بر سر مزار سادات، اصلاح شیر آب انبار میدان کرم و آب انبار گلار روغن چراغ مسجد کوچک و آب انبار را می‌توان در نظر گرفته و بخشی را به ترمیم خرابی موقوفه نام برد (جدول ۱).

اختصاص داده است. صرف منافع موقوفات برای

جدول ۱- موقوفات، محل و شرایط مصرف مندرج در وقف‌نامه (مأخذ: نگارنده).

موقوفه	مقدار	محل مصرف	شرایط مصرف
مزرعه شمس آباد	نصف طسوج	امام شهبستان واقف در مسجد جامع	زمستان‌ها در شهبستان، تابستان در مقصوره و پیشگاه و بر بام نماز کند.
طاحونه آخوند در محله بشنیغان	تسع (یک نه)	ایضاً	ایضاً
مياه كسنويه ممزوج به فرهاد، منابع و مجاری قنات	پنج جرّه	شهبستان ساخته واقف	تعمیر شهبستان، در صورت خرابی. برای خادم و مؤذن مسجد، در صورت عدم خرابی
باغ مشهور به باغ رضای کریمی	یک درب	ایضاً	ایضاً
یک قطعه زمین واقف	بسط هفت دست	ایضاً	ایضاً
زمین آن طرف پل	بسط دو قفیز	ایضاً	ایضاً
باغ خندق در جنب رباط	یک درب	مزار قرب رباط	در صورت خرابی، تعمیر موقوفه. آنچه زاید آمد و فرض بر عدم خرابی، هر شب جمعه قرائت قرآن بر مزار
یک قطعه زمین واقف در محله حیدرآباد	بسط پنج دست	ایضاً	ایضاً
حانوت روغن گری در میدان کرم	یک درب	مسجد کوچک جنب میدان کرم	صرف روغن چراغ و تعمیر مسجد
قنات شمس آباد	چهار جرّه	آب انبار میدان کرم	تعمیر و اصلاح ممر، قیمت آب، اصلاح شیر و تأمین روغن چراغ آن
اراضی حوالی آب انبار کرم	تمامی	آب انبار میدان کرم	تعمیر موقوفه، در صورت عدم احتیاج، صرف اصلاح و تعمیر آب انبار
بازارچه جنب مسجد جامع میبد	یک ششم	شهبستان ساخته واقف	اصلاح مسجد، کاغذ شهبستان و بام اندود و غیره
حانوت نجاری در جنب بازارچه مسجد جامع	یک باب	مسجد جامع	روغن چراغ صبح مسجد در شهبستان، مقصوره، بام و دیگر جاهای مسجد
بقیه بازارچه مسجد جامع		مسجد جامع	معلوم نشده
مياه شمس آباد	شش جرّه در شبانه-روز دوازدهم	آب انبار گلار	معلوم نشده

۴-۶- واژگان و اصطلاحات

به معنی آن‌ها، حوزه کاربرد هر واژه نیز مشخص شد. به‌طور کلی آنچه به موضوع این تحقیق مربوط می‌شود شامل حوزه‌های: شهر، معماری، کشاورزی و قنات یا ترکیبی از این‌هاست (جدول ۲).

به‌جز واژگانی که معنی آن‌ها در زبان فارسی کاملاً شناخته شده و در اغلب مناطق یکسان فهم می‌شود، برخی واژگان و ترکیب‌ها که یا امروز استفاده نمی‌شود یا در مناطق یزد، از جمله میبد، کاربرد خاص دارد، در جدول ذیل آمده است. جز اشاره

جدول ۲- واژگان و اصطلاحات به کار رفته در وقف‌نامه و معنی و کاربرد آن‌ها (مأخذ: نگارنده).

واژه / اصطلاح	معنی	حوزه کاربرد
قصبه	آبادی بزرگ که از چند ده تشکیل شده باشد (فرهنگ فارسی معین، ذیل «قصبه»). شهر کوچک.	شهری
شارع	شاهراه، راه بزرگ (لغت‌نامه دهخدا، ذیل «شارع»).	شهری
باغ خندق	باغی که در عرصه خندق وجود آمده است. باغ خندق در پیرامون حصار میبد، یک عرصه شهری است که کارکرد دفاعی و کشاورزی توأمان داشت.	شهری - کشاورزی
تل	پشته، زمین بلند (لغت‌نامه دهخدا، ذیل «تل»). در میبد، تل از جنس گل رس فشرده است و در محل اختلاف تراز ظاهر می‌شود. در جاهایی نظیر نارین قلعه، تل را بریده و در آن فضاهای بوکنی (کنده) بوجود آوردند.	شهری - معماری
میدان	فضای باز شهری طراحی شده در شهرها و روستاهای منطقه یزد، که معمولاً چهارضلعی و با صفا‌های تکرار شونده است. بر سر تقاطع چند گذر شکل گرفته و در روزهای محرم برای آیین سوگواری استفاده می‌شود و کارکرد حسینی دارد.	شهری - معماری
مقصوره	گنبدخانه، قسمت اصلی مسجد که محراب در آن قرار دارد. در اصل فقط به محل محراب گفته می‌شد (پیرنیا، ۱۳۶۹: ۳۹۱).	معماری
پیشگاه	جلوی درگاه ورودی یا ایوان. مقابل درگاه و آستان (لغت‌نامه دهخدا، ذیل «پیشگاه»). در این جا به معنای ایوان مقصوره به کار رفته است.	معماری
طاحونه	آسیاب (لغت‌نامه دهخدا، ذیل «طاحونه»). در مناطق کویری، بر سر راه قنات و پایین تر از تراز آن ساخته می‌شود و با نیروی آب، که درون تنوره می‌رود، کار می‌کند.	معماری
حانوت	دکان (لغت‌نامه دهخدا، ذیل «حانوت»). در وقف‌نامه از حانوت روغن‌گری و نجاری نام برده شده است.	معماری
تعمیر	تعمیر در این جا به معنای عام آمده است. درست کردن خرابی بنا، باغ، زمین کشاورزی و موقوفه.	مرمت - معماری
بام‌اندود	اندود بام کردن	مرمت - معماری
کاغذ شبستان	به سبب اینکه کاغذ شفاف نور را از خود عبور می‌دهد، در گذشته برای چسباندن به نورگیر، پنجره و از این قبیل در شبستان مسجد یا بناهای دیگر کاربرد داشته است و به آن کاغذ لقی می‌گفتند (افشار، ۱۳۹۰: ۶۹).	معماری
میاه	«میاه» یعنی آب‌ها. در این جا مقصود آب قنات است.	قنات - کشاورزی
طسوج	نصف طسوج از مزرعه. مأخوذ از «تسو» فارسی (لغت‌نامه دهخدا، ذیل «طسوج»). تسو، یک قسمت از ۲۴ قسمت شبانه‌روز (فرهنگ فارسی عمید، ذیل «تسو»).	قنات - کشاورزی

قنات	واحد زمان در تقسیم آب که از ۷/۵ تا ۱۱ دقیقه در شبانه‌روز متفاوت است و در مبدأ از این واحد استفاده می‌شود (سمسار یزدی، ۱۳۸۹: ۱۴۸). به‌جای طشت و سبوی نیز به‌کار می‌رود.	جرّه
قنات	چشمه و این صیغه اسم ظرف است از نوعی که به معنی برآمدن آب است از زمین. محل خروج آب سرچشمه (لغت‌نامه دهخدا، ذیل «منبع»).	منابع
قنات	مجراها. محل جریان آب‌ها. نهر و قنات و کاریز و ناودان و جز آن (لغت‌نامه دهخدا، ذیل «مجاری»).	مَجاری
کشاورزی	در نظام تولید کشاورزی منطقه یزد، واحد اندازه‌گیری مساحت و حجم است. در واحد سطح برابر با ۹۰۰ مترمربع و در واحد حجم برابر با مقدار آبی است در یک شبانه‌روز یک قفیز زمین را سیراب کند (جانب‌اللهی، ۱۳۸۳: ۶۸).	قفیز
کشاورزی	واحد کامل از هر چیزی. هر شش دست یک قفیز است (جانب‌اللهی، ۱۳۸۳: ۶۸)، که می‌شود هر دست حدود ۱۵۰ مترمربع.	دست

۷- بحث پیرامون یافته‌ها

۱-۸- آگاهی تازه در باب برخی اماکن و

تاریخ آن‌ها

در وقف‌نامه به اماکن و آثاری اشاره شده که برخی از آن‌ها ناشناخته است و این سند می‌تواند دریچه تازه‌ای برای شناخت آن‌ها به‌دست دهد. این سند به بناها و اماکنی اشاره دارد که برای مردم میبد یا محققان آشناست، اما به‌لحاظ ماهیت تاریخی ناشناخته مانده و اطلاعات مکتوب و محققانه‌ای از آن‌ها در دست نیست.

چند زیلو به تاریخ ۱۲۴۰ق در گرمخانه غربی مسجد پهن است که در حاشیه آن‌ها نوشته شده، شبستان را حاجی رجبعلی ساخته و آن زیلوها را وقف بر این فضا کرده است. به احتمال زیاد تاریخ اتمام این شبستان تاریخ مذکور در زیلوست. متن کتیبه زیلو بدین شرح است:

«وقف صحیح شرعی نمود عالیحضرت خیرالحاج حاجی رجبعلی خلف مرحمت پناه حاجی حیدرعلی میبدی این زیلو را بر مسجد جدیدالبناء جانب غربی مسجد جامع قصبه میبد که خودش ساخته، مشروط آنکه از مسجد مزبور بیرون نبرند؛ هر گاه در گنبد

مزبور ضرور شود ۱۲۰۰۴۰ [۱۲۴۰] عمل علیرضا ابراهیم» (تصویر ۱۲).

معلوم می‌شود، حاجی رجبعلی پس از گذشت هفت سال از اتمام ساخت مسجد، در سال ۱۲۴۷ق از اموال خود برای گردش امور، نگهداری و تعمیرات مسجد و دیگر اماکن وقف کرده است. هم‌چنین این بحث که مقصود از شبستان مورد اشاره در وقف‌نامه همان شبستان غربی است نه شمالی، درست‌تر می‌نماید.

همانگونه که اطلاعات مکتوبی درباره میدان کرم در دست نیست، از جمله اینکه چه کسی آن را ساخته، چه‌زمانی ساخته شده یا تغییراتی در آن بوجود آمده، تاکنون همین ابهام درباره آب‌انبار و مسجد کوچک متصل به میدان هم حاکم بوده است. بر اساس این وقف‌نامه، می‌توان اظهار داشت، این دو اثر از «بناهای خیر واقف» یعنی حاجی رجبعلی بوده و آن‌ها را حدود دهه ۱۲۴۰ق به میدان ملحق ساخته است. از این روی که «زمین - های حوالی آب‌انبار» نیز وقف بر آب‌انبار شده، معلوم می‌شود، آب‌انبار را در زمین شخصی

خودش، که متصل به میدان بوده، ساخته و ورودی پله‌های پاشیر را در داخل میدان قرار داده است.



تصویر ۱۲- زیلوی شبستان حاجی رجبعلی به تاریخ ۱۲۴۰ (مأخذ: نگارنده).

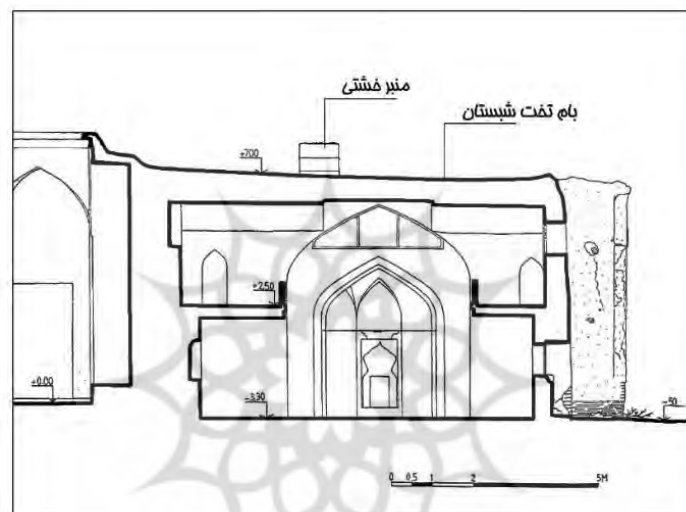
نماز برپا کنند. منبری گلین با سه پله در انتهای بام رو به قبله وجود دارد که نشان می‌دهد برپایی نماز هر سال بر روی بام انجام می‌شد. هم‌چنین پله‌های رسیدن به پشت‌بام که به‌طور مستقیم از پشت شبستان ساخته شده نیز مؤید این است که دسترسی به آسانی ممکن شود (تصویر ۱۳ و ۱۴). با تمهیدات معمار، شبستانی با کارکرد نمازگزاردن در دو فصل زمستان و تابستان بنا شده که خواسته و نیت واقف را برآورده می‌سازد. بنا به اظهار معمرین، تا دو دهه پیش، شامگاهان تابستان بر بام همین مسجد نماز برگزار می‌شد.

۲-۷- نیت بانی و تمهید معمار در ساخت بنا

در وقف‌نامه شرایطی برای مکان نماز خواندن امام تعیین شده تا در زمستان‌ها در همان شبستان تازه‌ساز نماز برپا سازد و در تابستان در مقصوره و پیشگاه و بر بام همان شبستان نماز کند. بررسی وضع فعلی مسجد نکاتی چند در تأیید این مطلب دارد. سقف شبستان با استفاده از تویزه‌های باربر و طاق‌های خفته چهاربخشی بین تویزه‌ها طوری ساخته شده که بام آن به‌صورت تخت درآمده و بنابراین سطحی با شیب کم در اختیار قرار می‌دهد که جماعت می‌توانند در زیر آسمان پرستاره کویری



تصویر ۱۳- پشت بام شبستان غربی که تخت است و منبر خشتی در سوی قبلی قرار دارد (مأخذ: نگارنده).



تصویر ۱۴- برش عرضی از شبستان غربی (گرمخانه حاجی رجیلی)، مسجد جامع مید (مأخذ: نگارنده).

۲-۳- الگوی تاریخی توسعه و تغییر کاربری اراضی شهری

زیست. این را می‌توان وجهی از الگوی توسعه شهر پنداشت. شاید به این سبب که امکان تخریب و نوسازی حصار و افزودن مستقیم به عرصه شارسستان وجود نداشته، این محله همچنان در پشت حصار باقی ماند. به‌طور معمول، سایر آبادی‌ها که به‌عنوان بیرونه (ربض) منفصل از محدوده حصار و بارو بوده، شکل گرفته و مسجد جامع در آن‌ها ساخته می‌شد. این الگوی غیریک‌پارچه تا دوره قاجاریه در بنیان محله‌هایی از قبیل امیرآباد، مهرآباد و کاظم‌آباد ادامه داشت.

آبادی‌های خارج از حصار (شارستان) مید معمولاً در متون تاریخی به قریه، نامبردار بوده‌اند، درحالی‌که بشنیغان که در پهنه پشت حصار شکل گرفته، در وقف‌نامه، محله نامیده شده است. گویی مانند سه محله دیگر داخل حصار (بالا، پایین و کوچک) در نظر گرفته شده است. شاید این نکته به‌سبب توسعه شهر بلافاصله و چسبیده به حصار و باروست که حکم یکی از محله‌ها را پیدا کرده و در اداره شهر، در ذیل محله‌های داخل حصار می

۸- نتیجه گیری

آنطور که در این تحقیق نشان داده شد، وقفنامه سندی تاریخی است که حاوی داده‌های مفیدی در باب معماری و شهر است. وقفنامه بررسی شده در این تحقیق، با اینکه کوتاه و موجز است، با این حال داده‌های قابل توجهی در حوزه تاریخ شهر و معماری میبد از آن استنباط می‌شود و حاوی آگاهی‌های تازه‌ای است که تا پیش از این پوشیده مانده بود. از جمله یافته‌های تحقیق، شناسایی ۲۲ اثر، شامل اماکن و بناهاست که تعداد معدودی از آن‌ها را فعلاً با اطلاعات موجود نمی‌توان به درستی مکان‌یابی کرد. هجوم لگام‌گسیخته توسعه جدید، بسیاری از خطوط و شواهد شهر قدیم میبد را می‌زداید، بی‌آنکه اهمیت آن‌ها روشن شده باشد. با اینکه تغییرات شهر روزافزون بوده، با این حال اطلاعات بسیاری از وضع قدیم تمدنی باقی است. در این تحقیق روشن شد، اماکن و بناهایی که در اسناد وقفنامه‌ای ذکر شده و در صورتی که با وضع حاضر آثار و همچنین داده‌های شفاهی انطباق داده شود، نتایجی به دست می‌آید که به روشن شدن ابهاماتی درباره تاریخ معماری شهر یاری خواهد رساند.

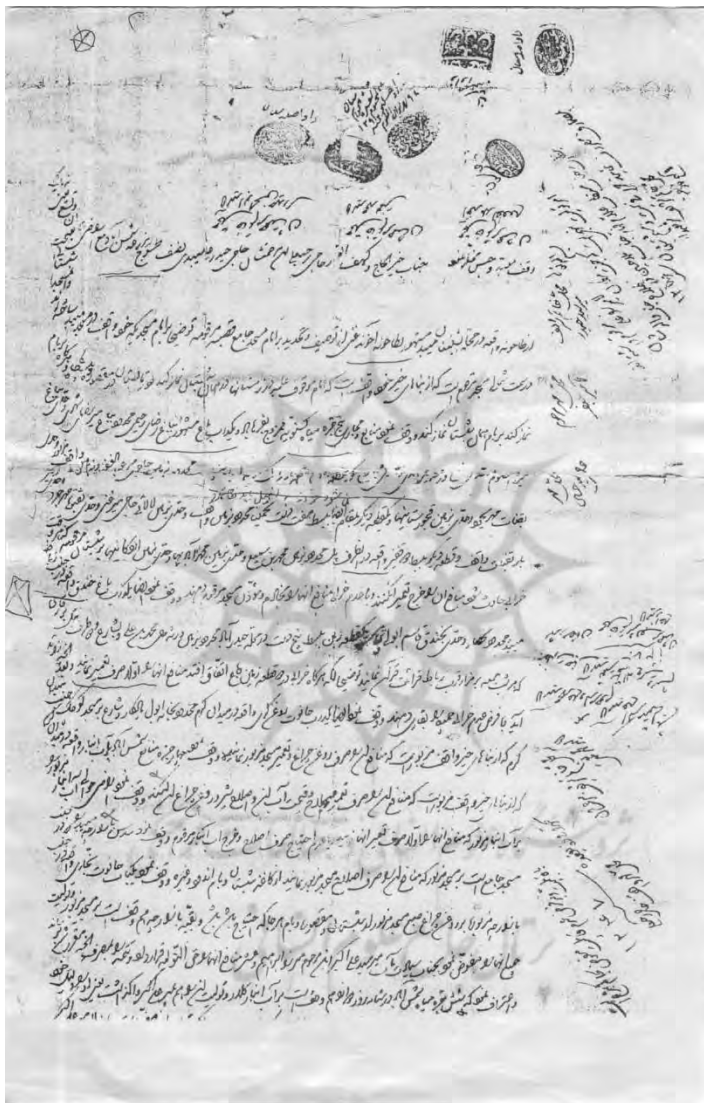
دنباله این تحقیق با انتشار، بررسی و تحلیل دیگر وقفنامه‌ها امکان‌پذیر است. کمیسیون منابع مکتوب این ضرورت را گوشزد می‌کند که، در دسترس قرار گرفتن وقفنامه‌های دیگر مسجد جامع میبد و دیگر بناها و اماکن، اسناد منتشر نشده در دست مردم و موجود در بایگانی نهادها و ادارات می‌تواند زمینه بررسی بیشتری را فراهم

باغ خندق مورد اشاره در وقفنامه، تغییر و تحول عرصه‌های شهری و شناور بودن کارکرد آن‌ها را نشان می‌دهد. بنا به نظر پویا خندق‌های کنده شده بر گرد حصار شهر، که نقش حفاظ مناسب برای برج بارو داشته، در سده اخیر به تصرف اشخاص درآمده و عموم آن‌ها را به باغ تبدیل کرده‌اند (پویا، ۱۳۹۵: ۶۴). آن‌گونه که مندرجات این وقفنامه از وجود باغ خندق خبر می‌دهد، می‌توان فهم کرد که در سده سیزدهم هجری علاوه بر اینکه خندق، کارکرد تدافعی داشته، به سبب اینکه زمین آن در تراز پایین بوده و آب بر آن سوار می‌شد، از زمانی دورتر اراضی آن به مالکیت اشخاص درآمده و به عنوان باغ نیز استفاده می‌شد. در وقفنامه از «خندق قاسم ابولی» هم نام برده شده است. خندق پیرامون نارین قلعه نیز به همین نام خوانده می‌شود و کارکرد باغ دارد. تبدیل عرصه خندق به باغ، سنت بهره‌برداری چندکارکردی از عناصر و عرصه‌های شهر بوده و با این وصف، می‌توان گفت، مستنداً دیرینگی ۲۰۰ ساله دارد و شاید سابقه بیشتر از این داشته باشد. کم‌رنگ شدن دلیل وجودی استحکامات شهری هم می‌تواند دلیل دیگری بر تغییر کاربری خندق پنداشته شود. از این‌روی اراضی خندق در موضعی که مشکلی برای امنیت شهر بوجود نمی‌آورد، به مالکیت اشخاص در می‌آمد. برای مثال در یزد، ناصرالدین‌شاه قاجار طی فرمانی، که بنا به درخواست آقا میرزا علیرضا صدر صادر شده، سی‌هزار ذرع خندق جنوبی یزد که واقع در پشت بازار است را به نامبرده واگذار کرد (افشار، ۱۳۷۷: ۴۶۰).

آورد که بواسطه آن بتوان اطلاعات مستندی درباره گذشته شهر میبد فراهم کرد.

سپاسگزاری

بر خود واجب می‌دانم ضمن سپاس از اداره اوقاف و امور خیریه شهرستان میبد برای در دسترس قرار دادن تصویر وقف‌نامه، از آقای سید اسدالله امامی میبدی، شاغل در همین اداره، به سبب همکاری‌شان قدردانی نمایم.



تصویر ۱۵- تصویر وقف‌نامه حاجی رجبعلی بر شبستان مسجد جامع میبد و برخی بناها و اماکن دیگر (مأخذ: اداره اوقاف شهرستان میبد، به شماره ۶/ر شهرستان میبد).

پی‌نوشت

۱. مقصود از منابع درجه اول در مطالعات تاریخی، منابعی است که با موضوع یا پدیده مورد بررسی معاصر باشد.

۲. در بازنویسی متن وقفنامه به افزودن نقطه گذاری، جدا کردن کلمات سرهم و اصلاح برخی نحوه نوشتاری که اکنون مرسوم نیست و اشتباهات املائی بسنده شده است. علامت «/» نشانه پایان یک سطر و آغاز سطر دیگر است.
۳. در این جا «است» به سبب زاید بودن حذف شد.
۴. در دست‌نویس وقفنامه «پیشگاه» نوشته شده. تمامی گاف‌ها به صورت کاف نگارش شده است.
۵. یک کلمه خوانده نشد.
۶. دست‌کم ۱۲ کلمه قابل خواندن نیست.
۷. یک کلمه خوانده نشد.
۸. این قسمت دست‌خورده است. احتمالاً «و اصلاح ممر» درست است.
۹. شش یک از مال کسی گرفتن (لغت‌نامه دهخدا، ذیل «سدس»).
۱۰. جز دو کله آخر، این سطر در تصویر وقف‌نامه آن پاک شده است. بنا به ادامه متن، دست‌کم یک سطر دیگر پاک شده که موضوع این سطور باید درباره شرایط و کیل و متولی نگهداری موقوفات و امتداد آن در آینده باشد.
۱۱. دو مرتبه نوشته شده است.
۱۲. تصویر این وقف‌نامه در اداره اوقاف شهرستان میبد نگهداری می‌شود.

منابع و مآخذ

- افخمی، رضا و مسرت، حسین. (بهار ۱۳۹۳). وقف‌نامه مسجد چهارمنار یزد (مسجد خضرشاه). مجله وقف میراث جاویدان. سال ۲۲، ش ۸۵، ص ۱۷۶-۱۴۵.
- افشار، ایرج. (۱۳۴۸). یادگارهای یزد، ج ۱، معرفی ابنیه تاریخی و آثار باستانی خاک یزد. تهران، انتشارات انجمن آثار ملی.
- افشار، ایرج. (۱۳۷۱). یزدنما. در یزدنامه. ج ۱، نگارش و گردآوری ایرج افشار. تهران: سلسله متون و تحقیقات فرهنگ ایران-زمین.
- افشار، ایرج. (۱۳۷۷). صد سند تازه‌یاب یزد. در یزدنامه، ج ۲. نگارش و گردآوری ایرج افشار. تهران: سلسله متون و تحقیقات فرهنگ ایران زمین. ص ۴۴۸-۳۹، ص ۴۶-۱۹.
- افشار، ایرج. (۱۳۸۵). وقفنامه امیرچقماق و ستی فاطمه. در جامع مفیدی. تألیف محمدمفید مستوفی بافقی. جلد سوم، تهران: انتشارات اساطیر.
- افشار، ایرج. (۱۳۹۰). کاغذ در زندگی و فرهنگ ایرانی. تهران، انتشارات میراث مکتوب.
- اهلرز، اکارت. (۱۳۷۴). موقوفات دینی و شهر شرق اسلامی. برگردان مصطفی مؤمنی و محمدحسن ضیاءتوانا. وقف میراث جاویدان، شماره ۱۰، ص ۵۳-۵۰.
- ایواتاکه، اکیو. (بهار ۱۳۸۴). موقوفات یکی از امرای تیموری (موقوفات امیرچقماق شامی در یزد). برگردان سیدمحمد مهدی هاشمی. مجله وقف میراث جاویدان. ش ۴۹، ص ۴۹-۳۴.
- بلر، شیلا. پاییز (۱۳۸۷). معماری و جامعه در دوره ایلخانی. فصلنامه گلستان هنر. ش ۳، پیاپی ۱۳، ص ۷۳-۴۸.
- پیرنیا، محمد کریم. (۱۳۶۹). شیوه‌های معماری ایرانی. تدوین غلامحسین معماریان. تهران: مؤسسه نشر هنر اسلامی.
- پویا، سیدعبدالعظیم. (۱۳۹۵). سیمای باستانی میبد، بررسی تاریخی سازواره و ساخت یک شهر کویری. چاپ دوم، میبد: انتشارات دانشگاه آیت‌الله حایری میبدی.
- جانب‌اللهی، سعید. (۱۳۸۳). چهل گفتار در مردم‌شناسی میبد، دفتر اول: فرهنگ و فن‌آوری قنات (نقش قنات در معماری سنتی). تهران: انتشارات روشن.

- دانش‌پژوه، محمدتقی و افشار، ایرج. (۱۳۴۱). جامع‌الخیرات (وقف‌نامه سیدرکن‌الدین). مجله فرهنگ ایران‌زمین. ش ۹، ص ۶۸-۲۷۷.
- شبیانی، زرین‌تاج و محسن کشاورز. (۱۳۸۰). گزارش ثبت مجموعه حسینی و آب‌انبار کرم. میبد: پروژه فرهنگی تاریخی میبد، موجود در مرکز اسناد میراث فرهنگی (منتشر نشده).
- شیخ‌الحکامی، عمادالدین. (۱۳۸۷). اسناد معماری ایران. دفتر اول. تهران: دانشنامه تاریخ معماری و شهرسازی ایران زمین.
- طراز یزدی، عبدالوهاب. (۱۳۷۷). کتابچه موقوفات یزد. در یزدنامه، ج ۲. نگارش و گردآوری ایرج افشار. تهران: سلسله متون و تحقیقات فرهنگ ایران‌زمین. ص ۲۹-۱۱۶.
- قلمسیاه، اکبر. (۱۳۷۰). تاریخ سالشماری یزد. تهران: سلسله متون و تحقیقات فرهنگ ایران‌زمین.
- قیومی بیدهندی، مهرداد. (بهار ۱۳۸۸). سخنی در منابع مکتوب تاریخ معماری ایران و شیوه جستجو در آن‌ها. فصلنامه گلستان هنر. ش ۱۵، ص ۵-۲۰.
- لمبتون، آن. ک. س. ف. (۱۳۷۷). مالک و زارع در ایران. ترجمه منوچهر امیری. چاپ چهارم، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. قانون مدنی. دسترسی در <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/92778>: ۱۳۹۹/۲/۵.
- مستوفی بافتی، محمد مفید. (۱۳۴۰). جامع مفیدی. ج سوم، به کوشش ایرج افشار. تهران: انتشارات کتابفروشی اسدی.
- مسرت، حسین. (پاییز ۱۳۸۸). وقف‌نامه آب‌انبار شش بادگیری یزد. مجله وقف میراث جاویدان. ش ۶۷، ص ۸۲-۸۹.
- نائینی، محمدجعفر بن محمدحسین. ۱۳۵۳. جامع جعفری. به کوشش ایرج افشار. تهران: انتشارات انجمن آثار ملی.
- نظری، فرهاد و احمد صالحی کاخکی. (زمستان ۱۳۹۶). ساز و کار تاریخی حفظ موقوفات در ایران. پژوهش‌های باستان‌شناسی، شماره ۱۵، دوره ۷. ص ۲۳۹-۲۵۷.
- نیک‌زاد، ذات‌الله. (۱۳۸۵). مجموعه کهن مسجد جمعه میبد. در میبد شهری که هست، به کوشش عیسی اسفنجاری کناری. تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری. ص ۹۱-۱۳۲.
- نیک‌زاد، ذات‌الله و فاطمه دانش یزدی. (تابستان ۱۳۹۳). قنوات منطقه یزد در قرن هشتم هجری، بر اساس یک سند تاریخی (وقف‌نامه جامع‌الخیرات). فصلنامه اثر. ش ۶۵، ص ۸۱-۹۶.
- همدانی، رشیدالدین فضل‌الله. (۱۳۵۲)؛ وقف‌نامه ربع رشیدی. به کوشش مجتبی مینوی و ایرج افشار. تهران: انتشارات انجمن آثار ملی.

Original Research Article

Re-reading of Haji Rajabali's Deed of Endowment about Masjid-i Jami of Meybod, in point of view of architectural historyZatollah Nikzad^{1*}

1- Faculty Members of Cultural Heritage and Tourism Research Center

Abstract

The Haji Rajabali's deed of endowment was written in 1247 AH for the winter Shabistan of the Masjid-i Jami of Meybod and other buildings built by the endower. This deed of endowment is a historical document that contains information from the 13th century AH about the city of Meybod, its places and architecture. The year of its writing coincides with the last decade of Fath Ali Shah's reign in Qajar period. The Jami mosque contains evidence of this period. The deed of endowment is a legal document and Haji Rajabali wrote it with the aim of guaranteeing the life of the buildings he built, though in this research, it has been considered as a documentary source for the study of architectural history. In fact, the potential of an old legal text document for the study of architectural history is examined. The question is: what are the places and architectural evidences that are mentioned in the deed of endowment and what kind of new information does it contain in the field of architectural history as related to the historic city of Meybod? This research has been done by descriptive-historical method, and has been accompanied by re-reading the text of the deed of endowment, combining with field observations and evidence mentioned in historical books. This paper can be considered a documentary analysis since it is focused on a first-hand historical document. The aim of this research is to re-read the evident and hidden aspects of the historical places mentioned in the deed of endowment. The results show that although the deed of endowment is short, it contains important information about the names and dates of places. All the places and buildings that are mentioned in the deed of endowment are related to Meybod, so in the course of the research, by field observation of the relevant place, the original or the remaining structures were identified and observed. A total of 22 sites and buildings were identified and then described. It includes quarters, Qanats, shops, cemeteries, mills, gardens, Houses, and many more. The construction date of the winter Shabistan of the Masjid-i Jami, the mosque and the water reservoir (Ab anbar) in the Karam Square (Maidan), located inside the fortified city of Meybod, is obtained from this deed of endowment, which belongs to the 1240 AH.

Key words: Endowment letter, Meybod Masjid-i Jami, Historic places of Meybod, Architectural history

*Email: z.nikzad@richt.ir